

مکتب ششم

مواد و رسانه های آموزشی



عنوان: نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در تحول راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزشیابی تحصیلی

بژو هشگر: مریم محمدی

چکیده

بیان موضوع: فناوری اطلاعات (ICT) به نظام گردآوری، پردازش و انباشت اطلاعات می‌گویند که نظام آموزشی با بهره‌گیری از آن می‌تواند در انجام فعالیت‌ها و پیشبرد اهداف راهبردهای یاددهی - یادگیری از فایده‌های بی‌شمار آن بهره‌مند شود.

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به دلیل قدرت تحول‌پذیری و توانایی برقراری ارتباط پویا که می‌تواند با دانش‌آموزان داشته باشد از نقش مهمی در انتقال دانش برخوردار است. در این مقاله تلاش داریم با بیان نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در حوزه تعلیم و تربیت به بررسی تأثیر این پدیده بر روی برنامه درسی بپردازیم. برنامه درسی را می‌توان نقشه‌ای دانست که در آن فرصت‌های مناسب یادگیری برای رسیدن به هدف‌های کلی و جزئی مشخص، برای گروهی از فراگیران فراهم می‌شود. بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در برنامه درسی فواید فراوان به همراه دارد از جمله این که: ۱- میزان سودمندی برنامه درسی را افزایش می‌دهد ۲- افزایش میزان یادگیری فراگیران را همراه دارد ۳- موجب انعطاف‌پذیری برنامه درسی می‌شود.

فناوری اطلاعات (ICT) موجب تغییر نقش معلم در کلاس درس می‌شود و نقش معلم را علاوه بر یاددهنده به یادگیرنده تبدیل می‌سازد و فراگیری و آموزش را مادام‌العمر می‌کند. از طرف دیگر سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یکی از مؤلفه مهم و اساسی برنامه درسی است و رویکرد جدید یاددهی - یادگیری در صورتی می‌تواند در نهاد آموزش و پرورش جای خود را باز کند که از

ناحیه‌ی نظام ارزشیابی مناسب و مطلوبی حمایت شود. در واقع بدون داشتن رویکرد سنجشی پیشرفته، اجرای رویکردهای جدید یاددهی-یادگیری به سختی ممکن است بنابراین توجه به فناوری اطلاعات (ICT) و ابزارهای جدید ارزشیابی و سنجش پیشرفت تحصیلی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

هدف: قرار گرفتن فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به‌طور هوشمندانه در بطن برنامه درسی و تلفیق با آن به‌گونه‌ای معنادار و مؤثر.

روش مطالعه: روش مطالعه در این تحقیق از طریق کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از مجلات و منابع معتبر صورت گرفته است.

نتیجه: توسعه‌ی فناوری در آموزش و پرورش یک ضرورت است نه یک انتخاب. تحول بنیادی در آموزش و پرورش باید تدریجی صورت گیرد و هر تحول امکان فراگیر شدن داشته باشد و در نهایت سرعت تحول در فناوری بالاست و باید از طرح‌های متناسب با این سرعت بخصوص در برنامه‌های درسی پشتیبانی شود.

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات (ICT)

محور پژوهش: محور ۶ (مواد و رسانه‌های آموزشی)

پژوهشگر: میترا حدادی

چکیده

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) وجه تمایز بنیادین عصر ما با دوران گذشته است. در این میان، میزان توسعه و کاربرد فناوری اطلاعات در امر آموزش، تولید مواد و محتوای برنامه درسی مهم‌ترین شاخص پیشرفت به‌شمار می‌رود. پدیده آموزش مجازی (Education Virtual) یا فراگیری الکترونیکی (E-Learning) شاید پراهمیت‌ترین عامل جهش‌های علمی، آموزشی، فرهنگی می‌باشد و آموزش مجازی یا فراگیری الکترونیکی، کلید گذر نیروی انسانی به جامعه اطلاعاتی می‌باشد، در مقاله حاضر سعی شده است با بررسی نقش و تأثیر فناوری اطلاعات و کنکاش در طرح‌های ملی به تعمیق مفهوم «محتوای الکترونیکی» و فراگیری الکترونیکی یاری برسانیم و بدین ترتیب به نقش و تأثیر مفهوم «محتوا و مواد الکترونیکی» مناسب در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش کشور به عنوان شاخه‌ای از تولیدات الکترونیکی دست یابیم.

اهداف:

هدف کلی: نقش محتوا و مواد مبتنی بر ICT در برنامه درسی

هدف‌های جزئی

- ۱- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر تعمیق آموزش؛
- ۲- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر بهبود کیفیت آموزشی؛
- ۳- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر سرعت و تعمیق یادگیری؛

- ۴- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر کاهش ارزشیابی حافظه محوری؛
- ۵- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر کاهش هزینه‌های آموزشی؛
- ۶- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر افزایش مشارکت دانش‌آموزان؛
- ۷- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر پرورش خلاقیت؛
- ۸- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر افزایش عدالت در دسترسی به منابع

موجود؛

- ۹- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر ایجاد فرصت‌های آموزشی بیشتر و تقویت رقابت سالم؛

۱۰- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر ایجاد کانال‌های آموزشی متفاوت و محیط آموزشی مادام‌العمر؛

- ۱۱- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر تشدید سیستم‌های محافظه کار تعلیم و تربیت؛

۱۲- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر توسعه مدارس الکترونیکی؛

۱۳- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر کاهش شکاف دیجیتالی؛

۱۴- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر افزایش بهره‌وری از طرح‌های

ملی؛

- ۱۵- نقش و تأثیر محتوا و مواد الکترونیکی برنامه درسی بر ایجاد زمینه حضور صحیح دانش، فرهنگ، ایرانی و زبان فارسی در تکنولوژی‌های نوین آموزشی.

روش مطالعه: مقاله حاضر با توجه به بازه زمانی محدود اعلام شده، به صورت کتابخانه‌ای

می‌باشد ولی در صورت زمانبندی کافی، بهتر است از تحقیق توصیفی به روش دلفی استفاده کرد.

نتایج: مطالعات نشان داده است که یادگیری در آموزش الکترونیکی با معلم محتوای الکترونیکی

در مدارس الکترونیکی، ۹۰ بار سریعتر است و همراهی معلم همان انگیزه کلاس‌های سنتی را ایجاد

می‌کند و با ورود فناوری اطلاعات در سیستم آموزشی و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی مبتنی بر

ICT، پرورش خلاقیت و ایجاد تغییر و سوق دادن یادگیرندگان به سمت ناشناخته‌ها، ایجاد زمینه

بهره‌مندی مناسب و عدالت در دسترسی به منابع موجود، انتقال و پردازش حجم عظیمی از دانش در

عصر اطلاعات، ایجاد زمینه حضور صحیح دانش و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در تکنولوژی‌های نوین آموزشی و محیط اینترنت افزایش می‌یابد، و موجب تشدید در سیستم‌های آموزشی کتاب محور مبتنی بر نقش بی‌دلیل معلم و سیستم‌های محافظه‌کار تعلیم و تربیت می‌شود تا معلمان دیگر آموزش‌دهنده صرف نباشند و فعالیت‌های گروهی تشویق می‌شود، و با تک‌تک دانش‌آموزان متناسب با توانمندی‌ها و استعداد‌های آنها رفتار می‌شود و دانش‌آموزان می‌توانند مواد درسی‌شان را از طریق سایت‌های اینترنتی دنبال کنند و ارزشیابی نیز از شکل حافظه‌محوری خارج می‌شود. بنابراین برای عقب ماندن از فاصله جامعه جهانی که سرعت نقش ICT را گسترش می‌دهد به سیستم آموزشی، مواد و رسانه‌های مناسب الکترونیکی در برنامه درسی، متناسب این عصر نیازمندیم.

عنوان: برنامه‌ریزی درسی ملی متناسب با فناوری اطلاعات و ارتباطات

پژوهشگر: رضا محمدیگی، لیلا جولانی

چکیده

قرار گرفتن دنیا در عصر اطلاعات و پیشرفت‌های لحظه‌به‌لحظه کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای در حال توسعه از جمله ایران را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای جلوگیری از ایجاد شکاف دیجیتالی، به‌ناچار به صنعت IT و استفاده از دستاوردهای آن روی آورد. پدیده شگفت‌انگیز فناوری اطلاعات IT در دو دهه آخر قرن بیستم و توسعه آن در نظام رسمی آموزش و پرورش کشورهای پیشرو باعث گسترش فرصت‌های یادگیری و دسترسی آسان به منابع آموزشی و یادگیری شده است.

مقاله حاضر با هدف تعیین نقش و جایگاه ICT در برنامه‌ریزی درسی ملی آموزش و پرورش انجام شده است. بیش از یک قرن است که آموزش کلاس با رهبری و نظارت معلم مهم‌ترین شکل آموزش است که امروزه این روش سنتی آموزش با تکنولوژی‌های جدید همچون مالتی مدیا، ارتباطات، آموزش الکترونیکی و اینترنت در چالش است.

در عصر حاضر فناوری اطلاعات و ارتباطات مهم‌ترین ابزار استراتژیک برای مدیریت و اداره صحیح همه واحدهای آموزشی و اداری محسوب می‌گردد و به دلیل اهمیت اطلاعات در فرایند یاددهی و یادگیری فناوری با محوریت عنصر اطلاعات و دانایی با سرعت چشمگیری در عرصه تعلیم و تربیت در حال توسعه است و نظام‌های آموزشی و محیط‌های یادگیری را به چالش فراخوانده است.

فناوری اطلاعات رویکرد جدیدی را در حوزه برنامه‌ریزی، آموزش، اجرا و ارزشیابی فراهم نموده است و با حذف فواصل مکانی و محدودیت‌های زمانی به عنوان یک کاتالیزور بهبود کیفیت تجربه آموزشی امکان‌پذیر می‌سازد.

در این رویکرد فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک ابزار و وسیله تأثیرگذار در فرایند یاددهی و یادگیری مورد توجه قرار گرفته است.

در این مقاله پس از ذکر مقدمه‌ای از عصر اطلاعات و تکنولوژی، آموزش و پرورش به عنوان پایگاه گسترش IT در نظر گرفته شده است و عنوان‌های زیر مورد بحث قرار گرفته است. دور رویکرد مهم فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش نقش معلم و دانش‌آموز در عصر اطلاعات و ویژگی‌های آموزشی محیط یادگیری مبتنی بر IT شامل انواع آموزش‌های الکترونیکی – آموزش از راه دور – چندرسانه‌ای و غیره ذکر شده است – ارائه طرح درس و تدریس مبتنی به ICT طراحی پروژه‌های چندرسانه‌ای و در پایان ویژگی‌های محیط یادگیری و تدریس مبتنی بر ICT در آموزش و پرورش و نتیجه‌گیری کلی فهرست شده است.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات (IT) – فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) – آموزش‌های الکترونیکی (e-learning)

آموزش از راه دور (distance-learning) – چندرسانه‌ای و پروژه در کلاس درس (multimedia)

برنامه‌ریزی درسی (curriculum planning) طرح درس و تدریس – شبکه کامپیوتری (network)

نرم‌افزار نت ساپورت (netsupport- school) اینترنت – شهر الکترونیک – مدارس هوشمند

عنوان: نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزار توانمندساز و تحول‌گرا در برنامه درسی ملی

پژوهشگر: طیبه حمزه بیگی

چکیده

با عنایت به اشعار محوری برنامه چهارم تحت عنوان «جامعه‌ی دانایی محور» و با استناد به موارد مندرج در برنامه‌ی چهارم توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور که گسترش فناوری اطلاعات را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مورد تأکید قرار داده است، توجه به ضرورت بهره‌گیری از فناوری‌های جدید از اولویت خاصی برخوردار می‌باشد، از طرف دیگر آموزش و پرورش وسیله‌ای مهم در انتقال فرهنگ جامعه و نشر آن است و توسعه، پیشرفت و شکوفایی هر جامعه در گروه آموزش مؤثر اعضای آن جامعه می‌باشد.

در حال حاضر توسعه فناوری‌های جدید، حوزه‌ی آموزش را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است، چرا که فناوری‌های اطلاعات این امکان را در اختیار نظام‌های آموزشی قرار داده تا فرایند یاددهی - یادگیری را از شکل سنتی که انتقال مستقیم دانش به یادگیرنده است، به توانایی تبدیل اطلاعات به دانش و بهره‌گیری از آن در جهت رشد و توسعه‌ی فردی و اجتماعی تغییر دهد؛ البته این مهم امکان‌پذیر نیست مگر این که مهارت‌های کسب شده، تبدیل به توانایی حرفه‌ای نیروی انسانی در حوزه‌ی کار و فعالیت شود.

در عین حال با عنایت به چشم‌انداز توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در سند «توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات» آموزش و پرورش، بهره‌گیری گسترده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور تغییر رویکرد نظام آموزش و پرورش به سمت سازمانی یادگیرنده و پژوهنده و برخوردار از فرصت‌های آموزشی برابر در محیط یاددهی - یادگیری مبتنی بر دانایی و فرهنگ اسلامی و از طرفی

با توجه به برخی از اهداف برنامه درسی ملی از جمله عدالت آموزشی و استفاده‌ی بهینه و صحیح از فناوری اطلاعات و ارتباطات، پرداختن به فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزار توانمندساز و تحول‌گرا امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. از طرف دیگر تحقیقات علمی به افزایش سطح بهره‌وری آموزش از طریق غنی‌سازی محیط‌های آموزشی با استفاده از فناوری‌های جدید تأکید می‌نماید.^۱ لذا اگر بتوانیم فرایند آموزش را در محیطی که دارای قابلیت‌ها و ویژگی‌های آموزشی منحصر به فرد است ارائه نماییم، بی‌شک خواهیم توانست در راستای تحقق اهداف آموزشی سریع‌تر و پایدارتر گام برداریم.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر لازم است فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با ساختار مناسب و درست در آموزش و پرورش بکار گرفته شود. در این صورت محیط آموزشی بسوی تعاملی شدن پویا سوق پیدا می‌کند؛ به عبارتی با گسترش صحیح فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش برخی از ابعاد نظام آموزشی از جمله برنامه‌های درسی دچار تغییر و تحول گردیده و کیفیت آموزشی به وضعیت مطلوب نزدیک‌تر خواهد شد.

در نتیجه با بهره‌گیری مناسب از فناوری اطلاعات و مدیریت صحیح آن می‌توان به تدارک برنامه‌های درسی متناسب با علائق، استعدادها و نیازهای دانش‌آموزان پرداخت و نهایتاً ارتقای کیفی فرایند آموزش را مشاهده نمود.

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی در فرایند آموزش موجب:

- ارتقاء کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری
- ایجاد فرصت‌های یادگیری برابر
- توجه به تفاوت‌های فردی
- توجه به سبک‌های یادگیری
- کمال بخشیدن به خود و محیط پیرامون می‌شود.

برخی از اصول حاکم^۲ بر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی ملی عبارت‌اند

از:

- توسعه‌ی همه‌جانبه
- رشد تدریجی نه جهشی
- نگاه ارزشی به فناوری اطلاعات

– انعطاف پذیری

– توانمندسازی منابع انسانی

– تسهیل دسترسی به اطلاعات و خلق و مدیریت آن

– تقویت روحیه پژوهشگری، تفکر نقاد و خلاق

– تقویت سیستم تصمیم گیری و مدیریت مبتنی بر اطلاعات

– اشاعه فرهنگ بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات

– رعایت اصل تلفیق فناوری اطلاعات با برنامه های درسی

– رعایت اصل مشارکت و همکاری

همچنین برخی از اصولی که بهتر است در هنگام بکارگیری فناوری های اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی ملی رعایت گردد عبارتست از:

– درگیر شدن دانش آموز در فرایند یادگیری

– رعایت اصل مشارکت یادگیرنده در تولید دانش

– تأکید بر فعالیت های آموزشی پروژه محور

– رعایت اصل گستردگی منابع و مواد آموزشی

– بهره گیری از محیط های یادگیری متنوع

– رعایت اصل تلفیق در ارائه مفاهیم آموزشی

– سازماندهی محتوا با ساختار غیرخطی

– ارائه ی فعالیت های آموزشی مبتنی بر خصوصیات چندرسانه ای (صدا، تصویر، گرافیک و

تصویر متحرک)

– توجه به ارزشیابی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات در یادگیری

در این مقاله سعی می شود ضمن پرداختن به برخی از اهداف توسعه ی فناوری اطلاعات در برخی از نظام های آموزشی کشورهای مختلف، رویکرد مناسب بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی ملی، بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات، نوع به کارگیری اعم از آموزش بر پایه ی وب، آموزش مبتنی بر کامپیوتر، آموزش از طریق وسایل و ابزار دیجیتال همراه، آموزش الکترونیکی و محدوده ی عمل آن به عنوان ابزار توانمندساز و تحول گرا در برنامه درسی ملی تبیین و تشریح گردد.

عنوان: نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در تحول راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزیابی از پیشرفت

بژوهشگر: حسین نجفی

چکیده

عصر دانایی یا عصر اطلاعات و انقلاب ارتباطات نتیجه تراکنش‌های عصر صنعتی است که در مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) متبلور شده است. فناوری ارتباطات و ارتباطات^۱ (فاوا) فناوری‌هایی جهت گردآوری، ضبط، ذخیره‌سازی، پردازش، ارزیابی، انتقال و دریافت اطلاعات می‌باشد (جمعی از نویسندگان، به نقل از محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸) که به حیطه فرایند یاددهی - یادگیری^۲ کشیده شده است. با تحول در سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای کامپیوتری و فناوری‌های اطلاعاتی بالطبع تغییراتی در آموزش از جمله از نگاه معلم محوری^۳ به یادگیرنده محوری^۴ با تأکید بر تعامل^۵، استقلال^۶ و خودآموزی^۷، شاگرد صورت گرفته است و یادگیری صرف^۸ به چگونه یادگیری^۹ و فرایند یادگیری به فرایند یاددهی - یادگیری تغییر شکل داده که می‌توان آن راناشی از تأثیرات فناوری‌های جدید اطلاعاتی از جمله کامپیوتر، اینترنت، سامانه‌های چندرسانه‌ای و ... دانست. فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد فرایند یاددهی - یادگیری و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان داشته باشد (مجموعه مقالات IT در آموزش و پرورش، نجفی، ۱۳۸۵، ص ۳۹). هرچند که برخی مانند راسل با بررسی تحقیقات ۳۵۵ موردی تفاوت چندانی بین آموزش سنتی و آموزش مبتنی بر فناوری‌های جدید نمی‌بینند (۲۰۰۳، ۲۸، chancy)، اما باید توجه داشت که خود فناوری نیست که تأثیرگذار است بلکه راهبردهای نوین بکار رفته در فناوری‌های کلارک به نقل از زمانی و ... (۱۳۸۵، صفحه ۲۹) که منجر به انگیزه، خوداتکایی، تلاش بیشتر (hils، ۱۹۹۷)، تغییر

کیفی در تعامل و گفتگو، چند بازی نمودی و بسیار جستجو پذیر بودن یادگیرندگان شده (عطاران، ۱۳۸۳، ۲۲۳ - ۲۲۲)، اثرگذار می باشد.^{۱۰}

واژگان کلیدی: فناوری های اطلاعات و ارتباطات، فرایند یاددهی - یادگیری، پیشرفت تحصیلی، یادگیرنده محوری، تعامل

۱ _ information and communication

۲ _ teaching - learning processing

۳ _ teacher - oriented

۴ _ learner - oriented

۵ _ intraction

۶ _ autonomy

۷ _ self - learning

۸ _ rote learning

۹ _ learning to learn

۱۰- برای اطلاعات بیشتر در مورد تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر پیشرفت تحصیلی و فرایند یاددهی - یادگیری

به ماهنامه مشق آفتاب با عنوان (مجموعه مقالات اولین کنفرانس توسعه IT در آموزش و پرورش) به خصوص صفحه ۳۹ نوشته حسین نجفی مراجعه فرمایید.

عنوان: ضرورت توجه به استانداردهای سواد اطلاعاتی در برنامه درسی ملی

پژوهشگر: دکتر اکرم عینی

چکیده

جامعه اطلاعاتی فرصت‌های بی‌شماری برای افراد ایجاد کرده است و محیط اطلاعاتی و نظام آموزشی را متحول ساخته است. آموزش برای قرن ۲۱ متفاوت‌تر از گذشته شده است و گنجاندن بحث سواد اطلاعاتی برای آموزش مادام‌العمر در برنامه درسی ملی و سیاست‌گذاری آن در سیاست‌های کلان آموزش و پرورش از ضروریات است. توجه به سواد اطلاعاتی به عنوان عنصر کلیدی برای توسعه توانمندی‌های عمومی که مورد نیاز برای اعتبار‌گذاری به همه برنامه‌های مهارت‌آموزی و آموزشی است تسلط بر سواد اطلاعاتی می‌تواند بستر لازم برای توانمندسازی دانش‌آموزان در فرایند علمی و تولید دانش جدید را فراهم آورد سواد اطلاعاتی دانش و مهارت ضروری برای تشخیص صحیح اطلاعات مورد نیاز، سازماندهی یا درباره سازماندهی اطلاعات، تفسیر، تجزیه و تحلیل اطلاعات، ارزیابی صحت و اعتبار اطلاعات، به انضمام رعایت حق مؤلف منابعی که از آن بدست آمده، بکارگیری آن برای بدست آوردن نتایج و اعمال آن تلقی می‌شود. براساس مدل بروس یکی از مؤلفه‌های برنامه درسی ملی به‌شمار می‌آید که با نظام تربیت معلم، فعالیت‌های پرورشی در تعامل است. بومی‌سازی استاندارد سواد اطلاعاتی، توجه به سه مؤلفه محتوای برنامه درسی (مطابق استاندارد)، محیط اجرایی (کتابخانه مدرسه) و ارزشیابی (براساس مدل‌های استاندارد) و سیاست‌گذاری با همکاری کتابداران متخصص پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی ملی، استاندارد سواد اطلاعاتی، کتابخانه مدرسه.

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات (ICT)

پژوهشگر: خلیل نصیری، پریسا شریفی

چکیده

یکی از ویژگی‌های مهمی که پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات از آن برخوردار است، این است که باعث می‌شود ارتباط انسان با انسان، همچنین انسان با محیط تسهیل یافته و ارتقاء یابد. فناوری اطلاعات و ارتباطات به دلیل قدرت تحول‌پذیری و توانایی برقراری ارتباط پویا که می‌تواند با دانش‌آموزان داشته باشد از نقش مهمی در انتقال دانش برخوردار است. به‌طور آشکار ادعا شده است که IT و CT باعث تقویت یادگیری شناختی و پیشرفت در حل مسأله و مهارت‌های فکری در سطحی بالاتر شده است و همین‌طور باعث گسترش و توسعه توانایی‌های ذهنی و فیزیکی می‌شود که باید به عنوان ابزاری جدید در روش‌های نوین مورد استفاده قرار گیرد.

درباره تأثیر فناوری اطلاعات در حوزه تعلیم و تربیت دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اصلاح‌گرا بر این باور است که اثر فناوری‌های جدید بر آموزش و پرورش تدریجی بوده و این باعث می‌شود که آموزش به شیوه سنتی، تنها به گونه‌ای کارآمدتر انجام شود. (ICT باعث تسریع اطلاعات در آموزش و پرورش می‌شود)

دیدگاه تحول‌گرا معتقد به تحول ICT در آموزش و پرورش می‌باشد بر این باور است که فناوری اطلاعات ابزارها، خط‌مشی‌ها و اهداف تعلیم و تربیت را به‌صورت اساسی متحول می‌کند. در این مقاله تأثیر ورودی تکنولوژی و به‌طور خاص رایانه و نقش آن در حوزه تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد معلم باید درباره روش‌ها و راه‌هایی که IT و ICT تجربیات دانش‌آموزان را

در سطح اجتماعی و علمی تحت تأثیر قرار می‌دهد بیندیشد و از کاربرد IT و ICTT در خانه از بازی‌ها گرفته تا دسترسی به منابع متنوع اطلاعاتی و ارتباط الکترونیکی با دیگران اطلاع داشته باشد. با توجه به تأثیر فناوری‌های نوین و شیوه‌های یاددهی - یادگیری و تغییر نقش معلمان ضروری است که زمینه‌هایی فراهم شود تا هم آموزش و پرورش نارسایی‌های موجود در جامعه معلمان را شناسایی کند و هم معلمان گرامی به شناسایی و ارتقای مهارتی خود در کاربرد فناوری IT و ICT در برنامه درسی مورد تحقیق قرار دهد. برنامه درسی را می‌توان بکارگیری فناوری اطلاعات در امر آموزش دانست از جمله این امکان بهره‌گیری از برنامه درسی تلفیقی را برای معلم و دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. این برنامه درسی، بیش از آن که بخواهد دانش معینی را الفاء کند، زمینه‌ای را فراهم می‌کند که از طریق آن امکان شکوفایی قابلیت‌های فردی دانش‌آموزان و گسترش تجربه‌های فردی و مستقل آنها افزایش می‌یابد.

پژوهش موارد زیر در این مقاله :

- ماهیت فناوری اطلاعات و ارتباطات
- تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر IT و ICT در برنامه درسی
- در طراحی یک واحد درسی مبتنی بر IT و ICT به چه نکاتی باید توجه کرد؟
- آیا معلمان قابلیت توانایی استفاده از ICT را دارند؟
- چگونگی حمایت تکنولوژی‌های جدید از برنامه‌های ملی آموزشی در مدارس
- نیازهای معلمان
- یادگیری گروهی با ICT
- به‌طور کلی تحول در آموزش توسط ICT

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات (ICT) در برنامه درسی ملی از دیدگاه معلمین شهرستان قزوین

پژوهشگر: فاطمه رحیم نژاد

چکیده

بیان موضوع و اهداف: برنامه درسی ملی برنامه‌ای راهبردی و با رویکردی تحول‌گراست که باید بر مبنای نیاز مخاطبان و فراگیران و همچنین استفاده از تجربه‌های موجود در سطوح مختلف جهانی، ملی و بومی و منطقه‌ای شکل بگیرد. با توجه به اهداف فوق این پژوهش با هدف تبیین جایگاه رسانه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری اطلاعات از دید معلمین به عنوان مجریان اصلی برنامه درسی ملی انجام گرفت تا ضمن آگاهی از نقطه نظرات آنها راه‌های افزایش مشارکت و استفاده از تجربیات معلمین در این باره مشخص گردد.

مواد و روش‌ها: ۳۰ نفر از دبیران زن دبیرستان‌های شهرستان قزوین که نیمی از آنها دارای تحصیلات کارشناسی و نیمی دیگر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بودند به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه ۲۰ سؤالی محقق ساخته مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج: تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد ۹۰/۲ درصد معلمین مورد بررسی نقش و جایگاه بکارگیری رسانه‌های آموزشی مبتنی بر اطلاعات را «بسیار زیاد»، ۸ درصد «زیاد» و ۱/۸ درصد «تاحدودی» دانسته‌اند. هم‌چنین ۵۸ درصد از معلمین با تحصیلات کارشناسی و ۸۳/۴ درصد معلمین با تحصیلات کارشناسی ارشد سابقه استفاده از رسانه‌های آموزشی مبتنی بر ICT را در طی تدریس خود ذکر کرده‌اند که براساس آزمون همخوانی ضریب فای، معلمین با تحصیلات کارشناسی ارشد به صورت معنی‌داری بیشتر از معلمین با تحصیلات کارشناسی از این رسانه‌های آموزشی

استفاده نموده اند ($a = 0/01$). مهم ترین مزایای بکارگیری رسانه های آموزشی مبتنی بر ICT از نظر معلمان، ایجاد انگیزه و رفع کسالت در دانش آموزان ($35/75$ درصد)، تسهیل فرایند آموزش ($32/2$ درصد)، یادگیری بهتر و پایدار ($31/05$ درصد) بود و عمده ترین موانع در راه استفاده از این رسانه های آموزشی شامل فقدان امکانات لازم جهت استفاده از این رسانه های آموزشی در مدارس (41 درصد)، در دسترس نبودن این رسانه ها (23 درصد) و عدم توانایی کافی برای استفاده از آنها توسط معلمان ($15/5$ درصد) توصیف شده است که براساس نتایج به دست آمده از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون همبستگی معنی دار منفی ($K = -0/35$) میان سابقه تدریس و توانایی استفاده از رسانه های آموزشی مبتنی بر اطلاعات وجود دارد، به این معنی که معلمان دارای سابقه بیشتر توانایی کمتری نسبت به معلمان با سابقه تدریس کمتر در بکارگیری این رسانه ها دارند ($a = 0/01$).

معلمان مورد بررسی عمده ترین راههای مشارکت خود را در برنامه درسی ملی، ارائه نظرات و پیشنهادها در این باره به طور غیرمستقیم (از طریق گروه های آموزشی و کمیته های استانی برنامه درس ملی) ($48/4$ درصد) و ارائه نظرات خود به طور مستقیم (از طریق نامه و پست الکترونیک) به دست اندرکاران تدوین برنامه درسی ملی ($32/3$ درصد) و یا تولید رسانه های آموزشی توسط خود معلمان ($9/7$ درصد) دانسته اند.

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات (ICT)

بژوهشگر: فاطمه رستگاری فرد

چکیده

در سپیده‌دم قرن جدید که چشم‌انداز آن دانایی و امید را برمی‌نگیزد، اگر فرهنگ یاددهی – یادگیری در نظام آموزشی تحول نیذیرد نه تنها ورود فناوری اطلاعات ایجاد تحول نخواهد کرد بلکه به تقویت سنت‌های محافظه‌کارانه آموزش خواهد انجامید زیرا این فناوری اطلاعات (IT) نیست که به تنهایی اعمال تغییر می‌کند بلکه انسان‌ها عامل اصلی تحولند. نیروی انسانی مهم‌ترین عنصر در اشاعه و گسترش فناوری اطلاعات است. به همین دلیل توسعه فناوری اطلاعات در نظام‌های آموزشی نه فقط یک انتخاب بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. و گام مهمی در اصلاحات نظام‌های آموزشی محسوب می‌گردد. باید به استقبال تغییر رفت و با تکیه بر توانایی‌های انسانی و قابلیت‌های بومی و پشتوانه علمی، فرهنگی و تاریخی کشور ما ایران در مدیریت دانایی و فناوری اطلاعات ایفای نقش نمود و این یک وظیفه دینی، ملی و انقلابی است.

لذا فناوری جدید بویژه اینترنت و رایانه زمینه تحولات سریع و غیرقابل برگشتی را به دنبال داشته است و این تحولات قطعاً در بستر آموزش و پرورش به نتایج مطلوبی خواهد رسید زیرا نهادهای آموزشی بزرگ‌ترین تولیدکننده و بیشترین مصرف‌کننده اطلاعات هستند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT این فرصت را پیش روی نظام‌های آموزشی گذاشته و با توجه به قابلیت فوق‌العاده و استعداد فراوانی که در IT وجود دارد، می‌تواند نگاهی نو به آموزش و پرورش داشته باشد و راه حل اساسی آن همگام‌شدن با روح زمانه و رویکردهای جدی تعلیم و تربیت

برای پاسخگویی به نیاز نسل آینده و حاضر است. نگاه واقع بینانه آموزش و پرورش کنونی، گویای آن است که ما نه تأمین کننده دیروزمان و نه پاسخ دهنده نیازها و خواسته های برحق امروزمان بوده ایم. باید اذعان داشت که وضع موجود به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای امروز و فردای ما نخواهد بود لذا دو راه باقی می ماند.

۱- برنامه ریزان و کارشناسان ارشد، با برنامه ریزی می توانند در عصر نانو تکنولوژی پاسخگوی نیازهای جامعه بویژه نسل جوان را برآورده سازند.

۲- بی توجهی به تحولات فناوری در نظام های آموزشی و با شک و تردید برخورد نمودن، نتیجه جاماندن از قافله تمدن بشری و به قول معروف ایجاد شکاف دیجیتالی با پیشرفت های دنیا است.

امید است بتوانیم نقشی هرچند کوچک در دستیابی به اهداف توسعه ی میهن اسلامی مان داشته باشیم.

و من... التوفیق

عنوان: جایگاه و اهمیت رسانه‌های آموزشی

انعطاف‌پذیر در برنامه‌ی درسی

پژوهشگران: مرضیه عالی، هادی رمضانیان فهندری

چکیده

ما بیشتر اوقات به جای این که فکر کنیم که چه ابزارهایی در یک موقعیت خاص مناسب هستند، اغلب از ابزارهایی استفاده می‌کنیم که قبلاً استفاده می‌کرده‌ایم و یا اکنون در دسترس مان است. آنچه در مورد رسانه‌ها می‌دانیم این است که رسانه‌های مختلف چیزهای متنوعی را ارائه می‌نمایند؛ اما آنچه در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته است این موضوع پراهمیت است که هرگونه استفاده از یک رسانه باید تابعی باشد از تمایلات، نقاط قوت و ضعف شبکه‌های یادگیری و نیازهای خاصی که آن رسانه برای شبکه‌های یادگیری ایجاد می‌نماید. آنچه در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد چگونگی تأثیرگذاری کیفیت‌های مختلف رسانه‌های آموزشی نظیر متن، بیان، تصویر و رسانه‌های دیجیتالی بر یادگیری‌های دانش‌آموزان است. همچنین در این مقاله موضوع انعطاف‌پذیری رسانه‌های آموزشی به‌عنوان کلید اصلی ارائه‌ی آموزش به تعداد کنیری از دانش‌آموزان، با حداکثر اثربخشی مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی این مقاله تبیین جایگاه رسانه‌های آموزشی دیجیتالی و انعطاف‌پذیر در برنامه‌ی درسی است.

واژگان کلیدی: رسانه‌های آموزشی، آموزش دیجیتالی، یادگیری و برنامه‌ی درسی.

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات (ICT)

پژوهشگر: فاطمه قائمی

چکیده

کاربرد فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در امر آموزش می‌تواند موجب پایداری یادگیری و جذابیت تدریس شود و همچنین اجرای یادگیری مشارکتی و دانش‌آموز محوری مستلزم کاربرد تکنولوژی در امر آموزش است. برای تلفیق فناوری و آموزش نیاز به تغییر روش‌های تدریس سرمایه‌گذار در بخش تجهیزات و نیروی انسانی متخصص می‌باشد و در این میان تغییر سیستم مدیریتی بینش و نگرش معلمان نیز متمرکز خواهد بود. یادگیری الکترونیکی یکی از دستاوردهای فناوری نوین است که شرایط تحصیل را برای همه‌ی افراد فراهم می‌سازد. با کاربرد ICT در آموزش و پرورش می‌توانیم از نظر علمی و شغلی نسل جدید را به روز تعلیم داده و برای آینده‌ی کشور افرادی خودکفا و کارآفرین تربیت کنیم. در این مقاله به بررسی این تلفیق و اقدامات لازم برای بهره‌گیری از آن پرداخته شده است.

جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شده که با مطالعه متون، مقالات، کتب - مجلات و بهره‌گیری از روش فیش برداری انجام شده و نتایج بدست‌آمده نیز به شرح زیر است. استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در امر آموزش اگرچه عمر کوتاهی دارد اما پیشرفت چشمگیری داشته به طوری که غفلت در این امر می‌تواند فاصله ما را با کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه پیش از پیش کند. توجه به این موضوع که با در نظر گرفتن میزان کاربرد ابزارهای چند رسانه‌ای و رایانه‌ای و کامپیوتر در مدارس آموزش و پرورش کشورهای دنیا را،

ارزیابی می نمایند الزاما باید در این راه کوشش های فراوانی انجام دهیم تا بتوانیم عملا در جامعه جهانی سهمی قابل توجه در تولیدی علم داشته باشیم.

ارتقاء سطح علمی معلمین و فراگیران افزایش بودجه ی آموزش و پرورش تولید نرم افزارهای آموزشی، و الزام در کاربرد فناوری های جدید و استفاده از تجهیزات، سایت و رایانه در امر آموزش می تواند راهگشا باشد. البته دست اندرکاران نظام تربیتی باید نگاه جدی تری نسبت به این مسئله داشته باشند زیرا سرعت تولید ابزارهای چند رسانه ای به اندازه ای زیاد است که جبران عقب ماندگی امری دشوار و غیرممکن به نظر می رسد.

عنوان: مواد و رسانه‌های آموزشی

(نقش و جایگاه کتاب آموزشی در برنامه درسی ملی)

پژوهشگر: فاطمه تقی‌زاده خانکوک

چکیده

با توجه به توسعه روزافزون فناوری الکترونیکی، هنوز کتاب و کتاب‌خوانی مهم‌ترین شاخصه توسعه‌یافتگی است و در این مقاله به اهمیت و ضرورت استفاده از کتاب که یکی از ابزارهای ضروری برای ادامه حیات یک ملت به‌شمار می‌آید، پرداخته شده است و به این مسئله‌ی مهم اشاره شده است که با توجه به ضرورت کتاب‌خوانی، لازم است روش‌ها و راهبردهای مناسب برای مطالعه در برنامه‌های درسی گنجانده شود و چگونگی استفاده صحیح از فرایند یادگیری به زبان کودکان و نوجوانان و در سنین و مقاطع تحصیلی مختلف به آنها آموزش داده شود.

در ادامه مقاله دلایل شکست‌های تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته و اینکه بعضاً دانش‌آموزان عامل‌های فرعی چون شانس، کمی استعداد و دشواری تکلیف را مسبب شکست خود می‌دانند، مورد نقد قرار گرفته و در نهایت راه‌کارهایی که منجر به کسب موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان می‌گردد، معرفی شده است.

احساس مسئولیت نسبت به علم‌آموزی اگرچه مورد توجه هر فرد فراگیرنده می‌باشد، نظام آموزشی کشور نیز باید با برنامه‌ریزی‌های صحیح زمینه‌های لازم برای عمل‌آموزی را فراهم نماید.

(به امید فردایی بهتر)

تیرماه ۱۳۸۷

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات

پژوهشگر: محمدرضا رزم آرا

چکیده

وقتی صحبت از وسایل ارتباط جمعی می‌شود، نباید نقش بی‌چون و چرای آنها را در شکل‌دهی زندگی اجتماعی انسان از نظر دور داشت. کافی است کوچک‌ترین خبری در گوشه‌ای از دهکده‌ی جهانی اتفاق بیفتد تا بلافاصله عکس و خبر آن شبکه‌های مختلف تلویزیونی، صفحات روزنامه‌ها و حتی در شکل جدید، سایت‌ها و وبلاگ‌ها را پر سازد و صدای آن گوش فلک را پر کند.

«ملک لوهان» دنیای امروز را دنیای کتاب نمی‌داند. دنیای کتاب که به نظر او با اختراع صنعت چاپ و به‌وسیله گوتنبرگ آغاز گردید، فقط چهارصد سال ادامه داشت و گسترش وسایل ارتباط جمعی بر آن خاتمه بخشید (رشیدپور، ۱۳۵۲، ص ۱۷). در واقع وسایل نوشتاری و به خصوص کتاب نمی‌تواند کارکرد دیگر وسایل مطرح‌شده در دهکده‌ی جهانی لوهان را داشته باشد. زمانی که مک‌لوهان نظریه‌ی دهکده‌ی جهانی نو را مطرح کرد، دانشمندان زیادی حتی در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی غرب با دیده‌ی شک و تردید به آن نگاه می‌کردند و حتی او را دیوانه می‌پنداشتند. او می‌گوید (تمام وسایل ارتباط جمعی بر ما نفوذ دارند و روی ما کار می‌کنند. نتایج تأثیر آنها جهات شخصی، سیاسی، اقتصادی، زیبایی‌شناسی، روانی، اخلاقی، قومی و اجتماعی آن چنان شدید است که هیچ گوشه‌ای از وجود فیزیکی و روحانی ما را دست‌نخورده و به حال خود رها نمی‌کند.

موضوع این مقاله ضرورت گنجاندن آموزش سواد رسانه‌ای در نظام آموزش و پرورش کشور است. چگونه می‌توان سواد رسانه‌ای را همه‌گیر کرد؟ اعتقاد بر این است که برای کسب مهارت سواد

رسانه‌ای باید همانند سواد خواندن و نوشتن و یا ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، اقدامی ملی صورت پذیرد. یعنی به همان نسبت که مسئولان آموزشی نسبت به آموزش خواندن و نوشتن مردم احساس مسئولیت می‌کنند. باید مهارت‌آموزی در نحوه استفاده از انبوه اطلاعات را نیز سرلوحه کار خود قرار دهند. در حال حاضر هر روز شکاف بین افراد با سواد سنتی و آنان که توانایی کار با رایانه و استفاده از اطلاعات روزآمد را دارند، بیشتر می‌شود. برای از بین بردن این فاصله و در واقع کمک به افراد جامعه باید کلاس‌های آموزشی ویژه و مداوم برای تمام افراد جامعه که درگیر تحقیق و آموزش هستند برگزار شود. با توجه به پیشرفت‌های بدست‌آمده در زمینه فناوری اطلاعاتی، نحوه آموزش و ساختار آموزش باید به‌صورت اساسی و ریشه‌ای متحول شود.

استفاده از فناوری‌های متفاوت آموزشی برای آموزش بهتر و سریع‌تر باید سرلوحه کار مسئولان آموزشی قرار گیرد، تا بتوان در حداقل زمان ممکن افراد بیشتری را از آموزش‌های فراهم‌آمده بهره‌مند ساخت. امکانات رایانه‌ای و اینترنت روش‌های متعدد آموزشی را فراهم آورده است که باید از آن برای آموزش همگانی و بویژه سواد رسانه‌ای استفاده کرد. بنابراین خط و مشی‌های و سیاست‌های آموزشی باید بر آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان و همچنین عموم مردم در استفاده بهینه از امکانات اینترنتی قرار گیرد. در نهایت فرایند یادگیری جامعه باید اصلاح شود تا در دنیای متحول داخلی همگان بتوانند از امکانات و اطلاعات و یافته‌های بشری برای پیشرفت‌های بیشتر و دائمی استفاده کنند در این مقاله ضمن طرح مبانی نظری این استراتژی آموزشی بین آموزش سواد رسانه‌ای موارد برای رسیدن به سواد اطلاعاتی عمومی که آموزش و پرورش مجری آن است پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: سواد رسانه‌ای، فناوری اطلاعات، تدریس، برنامه‌ی درسی

عنوان: جایگاه فناوری اطلاعات (تکنولوژی آموزشی) در آموزش و یادگیری

پژوهشگر: مزگان اکبریان

چکیده

فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدت زمان کوتاهی از اجزای اصلی تشکیل دهنده جامعه مدرن به حساب آمد. اکنون بسیاری از کشورها، درک فناوری اطلاعات و ارتباطات و تسلط در مهارت‌ها و مفاهیم پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات را به عنوان بخشی از هسته مرکزی آموزش و پرورش مورد توجه قرار داده‌اند. تضمین دسترسی تمام کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به بهترین امکانات آموزشی به‌منظور پرورش جوانان جهت ایفای نقش در جامعه نوین و مشارکت، در ایجاد یک ملت آگاه از اهداف فراگیر در یونسکو به‌شمار می‌آید. کاربرد فناوری اطلاعات و جایگاه آن در آموزش و پرورش به نسبت کاربرد این فناوری در دیگر سازمان‌ها مدت زمان طولانی نیست که مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است و از طرفی هم کاربرد فناوری اطلاعات در فرآیند یاددهی - یادگیری به معنای واقعی آن از حساسیت بیشتری نسبت به دیگری زمان‌های برخوردار است در این مقاله ابتدا به توضیح مفاهیم فناوری، اطلاعات، آموزش، فناوری آموزش یادگیری، اهمیت و ضرورت جایگاه فناوری اطلاعات در آموزش و یادگیری، کاربردهای آن، چشم‌انداز فناوری اطلاعات در مرکز یادگیری، فوائد فناوری‌های جدید، نحوه استفاده از فناوری‌های جدید، امکانات یادگیری الکترونیکی، اینترنت و تاریخچه آن، وب و تاریخچه آن، نقش مهم اینترنت در جامعه و اصول یادگیری در تکنولوژی اینترنت می‌پردازیم و سپس در ادامه آن چالش‌ها فرا روی آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: فناوری، اطلاعات، آموزش، یادگیری، فناوری اطلاعات و ارتباطات.

عنوان: نقش و جایگاه رسانه‌های آموزشی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات

پژوهشگر: طاهره شاه‌جعفری

چکیده

امروزه کاربرد رسانه‌های آموزشی رواج بسیاری پیدا کرده است. ظهور و پیدایش رسانه‌های پیشرفته تعاملی در سطح وسیع سوال‌هایی را مطرح می‌سازد. نقش رسانه‌های آموزشی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات چیست؟

این رسانه‌ها و بالاخص چند رسانه‌ای‌های آموزشی چه تحولی را در امر آموزش بوجود خواهند آورد؟ و چه ملاک و استانداردهایی بایستی در انتخاب، طراحی و ارزشیابی این رسانه‌ها مدنظر قرار گیرد؟

بکارگیری رسانه‌های آموزشی کارآمد که بتواند یادگیرندگان را از رویکرد منفعلانه و سطحی یادگیری به فرایند یادگیری فعال و عمیق ترغیب نماید کاری سهل و آسان نیست بلکه نیازمند آشنایی با روش‌ها و اصول یادگیری از یک‌سو و رسانه‌ها و چندرسانه‌ای‌های نوین آموزشی از سوی دیگر است. یا به عبارت دیگر مستلزم شناخت مبانی نظری و کاربردی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای آموزشی است.

در کشور ما هنوز در اکثر مراکز آموزشی و بالاخص در دانشگاه‌ها تنها روش آموزشی سخنرانی و تنها رسانه تخته سیاه و وایت‌برد است. در مواردی نیز شاهد استفاده از رایانه و پاورپوینت هستیم اما کیفیت آموزشی و رعایت استانداردهای تهیه نرم‌افزارها بسیار چالش‌برانگیز است زیرا که در اکثر موارد همان صفحه کتاب است که بر روی صفحه رایانه منعکس شده است و نه چیزی بیش از آن!

الف - جنبه نرم افزاری: امروزه شاهد هستیم که بسیاری از تولیدکنندگان نرم افزارها و چندرسانه‌ای‌های آموزشی از متخصصین فنی هستند که بیشتر بر رشد جنبه‌های فنی و تجاری تأکید می‌کنند و اصول شناختی را در نظر نمی‌گیرند. شاید بتوان گفت که بزرگ‌ترین چالش در طراحی چندرسانه‌ای، چگونگی طراحی مسیریابی بهینه است به گونه‌ای که بتواند کاربرد متن، گرافیک، تصویر و صدا را تسهیل و تسریع نماید. بدین منظور از پنج روش مختلف کاربردی استفاده می‌شود: روش خطی، سلسله‌مراتبی، فهرست، شبکه‌ای و پیوندی. نکته مهم چگونگی انتخاب و ترکیب این روش‌ها در جای مناسب خود است.

از سوی دیگر معلم باید بتواند بدون نیاز به سواد تخصصی رایانه‌ای، نرم افزار پیشنهادی را بالاخص از لحاظ عوامل آموزشی مورد ارزشیابی، قرار دهد. در این پژوهش روش کاربردی و ساده‌ای برای ارزشیابی طراحی نرم افزارها و چندرسانه‌ای‌های آموزشی براساس چهار معیار ۱- آموزشی (اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزش‌یاب) ۲- کامپیوتری ۳- فرهنگی ۴- راهنما و بسته‌بندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این معیارها از بررسی و تجزیه و تحلیل مبانی نظری و تئوریک و همچنین فرم‌های ارزشیابی استخراج گردیده است. لازم به ذکر است که انتخاب و کاربرد رسانه‌های آموزشی، کار سهل و ساده‌ای نیست، بلکه نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و بررسی‌های آگاهانه با استفاده از روش‌ها و اصول یاددهی - یادگیری است و تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود به نتایج مطلوب دست یابیم. (قسمت می‌تواند به‌عنوان مقاله دوم در نظر گرفته شود)

ب - جنبه سخت افزاری: نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌ها از دیرباز در آموزش مرسوم بوده است. از تخته سیاه و رسانه‌های تابلویی و تصویری تا دیداری - شنیداری و چندحسی. تحقیقات نشان می‌دهد که صرف استفاده از رسانه باعث یادگیری نمی‌شود بلکه نحوه و روش، انتخاب نوع مناسب و بهره‌گیری از توانایی‌های رسانه است که می‌تواند منجر به تفاوت معنادار شود. این امر مستلزم آشنایی تئوری و کاربردی (وجود کارگاه‌های آموزشی و ... که خلاء آنها محسوس است) با رسانه‌های نوین آموزشی و امکانات بالقوه آنها است. مقاله ارائه‌شده با توجه به هدف مذکور و به همراه گزارشی از نمایشگاه رسانه‌های دیداری - شنیداری PALM دی‌دی در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ است که شخصاً برای بازدید مراجعه نمودم. حقیقت آن است که سرعت رشد و تحول رسانه‌های آموزشی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات شگفت‌آور است. همچنین در این مبحث

امکانات بردهای هوشمند جدید و ویژگی‌های مورد بحث قرار می‌گیرد.

برد هوشمند و قلم هوشمند

از قابلیت‌های این رسانه، امکان انجام عملیات صفحه کلید و ماوس با استفاده از تماس دست بر روی صفحه، قابلیت تعریف n صفحه مجازی و انتقال اطلاعات به صفحات تبدیل دست‌نوشته‌ها به فونت‌های رایج است. از مهم‌ترین مزایای آموزشی این رسانه قابلیت ذخیره‌سازی تصاویر و همچنین تمام مراحل کاری استاد بر روی برد و امکان بازبینی است. از سوی دیگر امکان ارسال صفحات بر روی چاپگر و CD وجود دارد و دیگر نیازی به یادداشت‌برداری نیست زیرا یادگیرندگان براحتی می‌توانند بعد از اتمام کلاس، مطالب را دریافت نمایند.

بردهای هوشمند جدید قابلیت تقسیم‌بندی مطالب و انتخاب حوزه تخصصی و استفاده از اشکال و جایگزینی توسط معلم و یادگیرنده را دارا هستند و شاید بتوان گفت که کار اکثر رسانه‌های آموزشی سنتی و حتی مدل‌ها و ماکت‌ها ... را نیز انجام می‌دهند!

ویژولایزر

از دستگاه‌های نمایش کارآمد است که کار پروژکتورهای اوپک، اسلاید و اورهد را انجام می‌دهد. همچنین حافظه قوی با قابلیت ذخیره‌سازی تصاویر، امکان انتقال اطلاعات به رایانه، صفحه دو قسمتی برای مقایسه تصاویر، قابلیت فیلمبرداری و زوم تصاویر و تنظیم در حالت‌های میکرو، عادی و ماکو و تغییر وضعیت و انتقال بین دوربین و رایانه را دارا می‌باشد.

ویژولایزرهای جدید قابلیت نمایش حرکت، چرخش اجسام و حتی نمایش اجسام داخل محفظه را به منظور آموزش موثر دارند.

امید است این مقاله بتواند گام ناچیزی در زمینه بهره‌مندی از فناوری‌های نوین و رسانه‌های آموزشی و حرکت از آموزش سنتی بسوی یاددهی - یادگیری مناسب عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات بردارد.

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات ICT

پژوهشگر: بهاره لبکی

چکیده

فرهنگ و تمدن ایران از کهن‌ترین، ریشه‌دارترین و بالنده‌ترین فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و در جهان است. ایران تنها نام یک سرزمین نیست بلکه نام اندیشه، تاریخ، فرهنگ و تمدنی است که در یک بستر خاص جغرافیایی در طول تاریخ شکل گرفته، رشد کرده و تبدیل به یک درخت تناور گشته که برای جهانیان ثمرات فراوان داشته است. هویت ایرانی - اسلامی ما مقوله‌ای است که بر این بستر جغرافیایی و براساس این بنیادهای فکری، فرهنگی و محیطی شکل گرفته است. پیوند موزون میان عنصر ایرانی و اسلامیت به این هویت معنایی ممتاز و منحصر به فرد بخشیده است. امروز ما به عنوان حاملان و وارثان این هویت غنی و پیشرو مسئولیت تاریخی سنگینی را برعهده داریم تا علاوه بر حفظ این هویت بر باروری و رشد و تعالی و انتقال آن به نسل‌های دیگر کمر همت بریندیم. آموزش و پرورش از چنان توانمندی‌هایی برخوردار است که علاوه بر آن که هویت‌سازی می‌کند می‌تواند به عنوان مهم‌ترین ابزارهای معرفی و انتقال هویت به نسل‌های دیگر کارآمدی داشته باشد. با توجه به مسئله‌ی بحران هویت در جامعه و لزوم مهندسی فرهنگی با محوریت هویت ایرانی، اسلامی نوشتار حاضر به بررسی اهمیت و نقش نظام تعلیم و تربیت و محتوای آموزشی در شکل‌گیری هویت و انتقال و انتشار آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه‌ی امروزی پرداخته، راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و مقابله با بحران هویت ارائه می‌نماید.

واژگان کلیدی: هویت ایرانی - اسلامی، آموزش و پرورش، محتوای آموزشی، بحران هویت،

مهندسی فرهنگی

عنوان: برنامه ریزی درسی از طریق سازمان های مجازی

پژوهشگران: مجید حبیبی پور، مرجان سیمانی

چکیده

در هزاره‌ی سوم حجم و وسعت مسائل، داده‌ها و اطلاعاتی که باید جمع‌آوری، نگهداری، تولید، پردازش، ارزشیابی و تجزیه و تحلیل شوند و به صورت صحیح از آنها استفاده شود به حدی زیاد است که دیگر راهکارهای گذشته پاسخگوی شرایط موجود نیست. برای حل این مشکل، ساختارهای جدید سازمانی با بهره‌گیری از تکنولوژی اطلاعاتی و تأکید بر بهره‌وری نیروی انسانی بوجود آمده است که از جمله‌ی این سازمان‌ها، سازمان‌های مجازی است.

هدف این پژوهش بیان نمودن مفهوم و تعریف سازمان مجازی، ضرورت و اهمیت حرکت آموزش و پرورش بسوی سازمان‌های مجازی، الگوهای مختلف سازمان‌های مجازی، برنامه‌ریزی درسی از طریق سازمان‌های مجازی و ارائه راهکارهای پیشنهادی مناسب با شرایط کنونی برنامه‌ریزی درسی در آموزش و پرورش ایران، می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای، پس از گردآوری و نقد و بررسی مطالب و اطلاعات پیرامون سازمان‌های مجازی و چگونگی کاربرد آنها در برنامه‌ریزی درسی، الگوی مناسبی که قابلیت کاربرد در برنامه‌ریزی درسی کشور ایران را دارد شرح داده شده و راهکارهای کاربردی و پیشنهادی حاصل از پژوهش ارائه گردیده است.

عنوان: طراحی و اعتبار بخشی الگوی انجام فعالیت های آزمایشگاهی در آموزش علوم تجربی دوره ی متوسطه

پژوهشگر آن: آرزو اصفاء، دکتر عابد بذریان

چکیده

در عصر حاضر، تمامی کشورها می کوشند تا سطح سواد علمی جامعه خود را بهبود بخشند تا از این طریق بتوانند زمینه های توسعه پایدار را فراهم نمایند. یکی از عواملی که بطور مستقیم بر سطح سواد علمی مردم یک جامعه اثر می گذارد، کیفیت آموزش علوم تجربی است. آموزش علوم تجربی در صورتی کارآمد و اثربخش خواهد بود که علاوه بر منطبق بودن با تجربه های زندگی، با انجام آزمایش و پژوهش نیز توأم باشد.

پژوهش ها نشان داده است که بکارگیری شیوه های سنتی رویکرد یاددهی - یادگیری نمی تواند پاسخگوی نیازهای آموزشی عصر حاضر باشد. با خروج از رویکرد آموزشی حافظه پرور و به چالش کشاندن ذهن فراگیران از طریق انجام فعالیت های آزمایشگاهی مناسب و همچنین نگاه بین رشته ای به نام آموزش علوم تجربی، می توان فراگیران را در فرایند یاددهی - یادگیری فعال نموده و روحیه انجام فعالیت های گروهی و مشارکتی را در آنها پرورش داد.

در چند سال اخیر تلاش های زیادی در راستای تجهیز مدارس کشورمان از لحاظ مواد شیمیایی، ابزار، تجهیزات و نرم افزارهای ویژه آموزش مجازی و شبیه سازی فعالیت های آزمایشگاهی صورت گرفته است؛ اما این اقدامات تأثیر اندکی در استفاده اثربخش از آزمایشگاه ها و انجام فعالیت های عملی داشته است. یکی از عوامل موثر در استفاده بهینه از آزمایشگاه های مدارس، آشنا بودن مربیان و معلمان با انواع رویکردها، راهبردها، سبک ها و روش های فعالیت در آزمایشگاه و نیز ارزشیابی مناسب از این نوع فعالیت ها است.

پژوهش حاضر با هدف ارائه ی یک الگوی اثربخش برای انجام فعالیت های آزمایشگاهی به صورت هماهنگ با برنامه درسی علوم تجربی و امکانات موجود در مدارس، از طریق سندکاوی و بررسی آخرین یافته های پژوهشی، ضمن ارائه ی الگویی با عنوان «فعالیت های آزمایشگاهی یادگیری — محور»، از طریق نظرسنجی از متخصصان تعلیم و تربیت، متخصصان آموزش علوم و نیز معلمان فیزیک، شیمی و زیست شناسی دوره متوسطه، به اعتباربخشی الگوی پیشنهادی و پرداخته است. الگوی پیشنهادی ضمن برخورداری از اعتبار بالا و منطبق بودن با یافته های معتبر پژوهشی و تجربه های موفق ملی و بین المللی، قابلیت اجرا در نظام آموزشی کشورمان را داشته و با زمینه های موجود، امکانات مدارس و نیز برنامه ی درسی علوم تجربی دوره متوسطه (شامل فیزیک، شیمی و زیست شناسی) متناسب می باشد. این الگو می تواند در تنظیم برنامه درسی ملی مورد استفاده قرار گیرد.

عنوان: نقش و جایگاه مواد و رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات

پژوهشگر: عبدالرسول خلیلی

چکیده

در اصل مقاله برآنیم تا پدیده نوری فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیری که بر جنبه‌های گوناگون گذاشته است و به ظهور برخی تحولات بنیادی در روابط جوامع بشری منجر شده است مورد بررسی قرار دهیم. توسعه روزافزون ابزارهای مبتنی بر این فناوری‌ها و سرعت فراوان و تطبیق آن با نیازهای انسان موجب شده تا شکل جدیدی از محیط یادگیری تعاملی، خلاق، فعال و فراگیر ایجاد شود.

عوامل مؤثر در بکارگیری ICT

برای استفاده مطلوب و موفقیت‌آمیز ICT در نظام آموزش و پرورش کشور برخی موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱- برنامه‌ریزی جدی برای کسب اطمینان از ایجاد شرایط لازم برای دسترسی همگان به سخت‌افزارها و نرم‌افزارها
- ۲- سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی پرورش حرفه‌ای معلمان و مدیران آموزش و آشنا کردن آنها با نقش‌های جدید که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عهده آنان می‌گذارد در کارکردها و مسئولیت‌ها یاددهنده و یادگیرنده تغییراتی ایجاد کند.
- ۳- حمایت مالی و معنوی دولت برای فراهم کردن زیر ساخت‌ها و منابع لازم برای کاربرد ICT در آموزش و پرورش
- ۴- کیفیت، برنامه، محتوا و روش‌ها موسسات و محیط‌هایی را که فرصت‌های آموزشی و

یادگیری را فراهم می‌آورند، تضمین کننده

دولت‌ها به صورت سنتی از طریق برنامه درسی ملی، کیفیت آموزش مدرسه‌ای را کنترل می‌کنند. و تحولات ناشی از گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات آنان را به رویکرد و سازکارهای نوینی برای کنترل کیفیت دوره‌های آموزشی، برنامه‌ها، محتوا و روش‌های آن نیازمند می‌کنند.

۵- از پژوهش‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش به منظور افزایش باور، دانش و مهارت و بکارگیری فناوری در آموزش و یادگیری حمایت کنند. انتظارات غیرواقعی از نقش فناوری در حوزه آموزش و کتمان تأثیر فناوری در یادگیری دو آفت بزرگی است. که بویژه کشورهای در حال توسعه را در اجرای پروژه‌های توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش به مشکلات زیادی دچار کرده است.

۶- تغییر نقش سیاستگذاری و تصمیم‌سازان آموزش و پرورش.

لازم است سیاستگذاران آموزشی سرعت تحولات جدید و پیامدهای آن را به خوبی درک کنند و در نقش، رویکرد و سازکارهای اجرایی انجام وظایف خود بازنگری بعمل آورند.

عنوان: بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در تحول فرآیند یاددهی - یادگیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

بژوهشگران: احدا... عزیزی (فوق لیسانس تحقیقات آموزشی از دانشگاه تربیت معلم)

سید کمال حسین پور (فوق لیسانس تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش از دانشگاه شاهد)

چکیده

در عصر حاضر، بیشتر صاحب نظران و متخصصان آموزشی بر این باورند که توسعه انفجار آمیز دانش و اطلاعات، نفوذ فناوری های گوناگون بویژه فناوری های الکترونیکی در زندگی روزمره، پیدایش انواع مشاغل و حرفه های جدید، اختراعات و اکتشافات شگفت انگیز در حیطه های نانو تکنولوژی و ... آنچنان جوامع را متحول کرده اند که دیگر ساختار و روش های نظام های آموزشی سنتی قادر نیستند در شرایط موجود جوانان را برای چالش در دنیای پیوسته در حال تحول آماده کنند. به قول پیتر دراگر «در عصر اطلاعات یکی از نیازهای سازمان ها، مهندسی مجدد می باشد. ویژگی این بازآفرینی، کسب و کار ایجاد دگرگونی در بسیاری از عناصر سازمان به طور یکجا و هم زمان است» (عبادی ۱۳۸۲).

معلمان نظام های آموزشی پیشرفته ضمن استفاده از روش های جدید آموزشی و بهره گیری از فناوری های اطلاعاتی، در کلاس درس از یک رویکرد آموزشی مشخص هم پیروی می کنند. کاربرد مؤثر فناوری آموزشی تسهیل، تثبیت، تسریع و تعمیق یادگیری می باشد و برای این منظور از یافته های علوم دیگر، بخصوص روان شناسی یادگیری استفاده می کند. کسانی چون ثوراندا یک با نظریه ی «تداعی» پاولف با نظریه ی «شرطی سازی کلاسیک» اسکینر با نظریه ی «شرطی شدن عامل» از جمله

افرادی بودند که تأثیر فناوری آموزش را بر رفتار مورد مطالعه قرار دادند (عالمی ۱۳۷۷).
تبیوت (۱۹۸۸) نشان می‌دهد که فرآیند کاربرد (ICT) در مدارس متأثر از عوامل متعددی است که از جمله می‌توان به زیر ساخت (ICT) و فلسفه استفاده از (ICT) در مدارس اشاره کرد (امام جمعه ۱۳۸۳).

جامعه آماری پژوهش کلیه سرگروه‌های دوره عمومی و متوسطه استان گیلان می‌باشد و گروه نمونه آن با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و حجم آن براساس جدول مورگان برآورد شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل یک پرسش‌نامه محقق ساخته مشتمل بر ۲۰ گویه در طیف لیکرت می‌باشد. روایی آن از طریق نظر متخصصان و پایایی آن از طریق آلفای گرانباخ ($A = 82\%$) محاسبه گردید. برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آزمون‌های آمار استنباطی نظیر آزمون T و F استفاده شده است.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان (ICT) به میزان زیادی موجب تسهیل یادگیری، بهبود کیفیت تدریس و رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود. (ICT) موجب افزایش علاقه دانش‌آموزان به یادگیری، افزایش پایداری یادگیری و هم‌چنین تسهیل فرآیند ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و نیز موجب بهبود بکارگیری نتایج ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در فرآیند یاددهی - یادگیری می‌شود. از نظر پاسخ‌دهندگان میزان آمادگی مدارس برای بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در فرآیند یاددهی - یادگیری در سطح پایینی می‌باشد و هم‌چنین آزمون F نشان داد که بین دیدگاه سرگروه‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در ارتباط با میزان آمادگی مدارس تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

از نظر پاسخ‌دهندگان میزان آمادگی معلمان ابتدایی کمتر از راهنمایی و راهنمایی کمتر از متوسطه می‌باشد و بین دیدگاه سرگروه‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از این نظر تفاوت معناداری مشاهده نشد. از نظر پاسخ‌دهندگان میزان آمادگی ساختار آموزشی برای بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در سطح پایینی قرار دارد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه سرگروه‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مشاهده نشده. از نظر پاسخ‌دهندگان میزان تناسب محتوی کتب درسی برای استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در سطح پایینی قرار دارد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه سرگروه‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از این حیث مشاهده شد.

عنوان: مواد و رسانه‌های آموزشی

پژوهشگران: جواد ابراهیم پورخلیلی، حسین رحیمی راد

چکیده

کاربرد دانش روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در تولید مواد و رسانه‌های آموزشی انفجار اطلاعاتی از طریق فناوری‌های الکترونیکی جدید از قبیل رایانه، اینترنت، وب، فناوری‌های جدید ویدئویی از قبیل کنفرانس‌های ویدئویی، ماهواره و ... ماهیت دانستن را تغییر داده است. در آنچه دانش‌آموزان فرا می‌گیرند تحولات بنیادی پدید آمده است آنها بجای این که اطلاعات را حفظ کنند باید یادگیرند که اطلاعات را چگونه بدست آورند از اطلاعات بدست آمده چگونه استفاده کنند و اطلاعات بدست آمده را چگونه با هم ترکیب کنند؟ دانش‌آموزان باید بجای این که اطلاعات را تنها از طریق معلم و کتاب درسی بدست آورند باید از طریق کاوش و اکتشاف، کار مشترک و گروهی و بررسی منتقدانه به آن دست یابند. در نگرش جدید رویکرد یاددهی و یادگیری و رویکرد روان‌شناسی یادگیری فناوری نقش ضروری را ایفا می‌کند این تحول آموزشی دانش‌آموزان را قادر می‌سازد که بیندیشند و مشکلات را حل کنند به کار با دیگران پردازند و برای دست یافتن به راه حل‌های خلاق جست‌وجو کنند. آیا در این جریان روان‌شناسی نقش اصلی خود را ایفا می‌کند. آیا می‌توان با روان‌شناسی تشویق و تنبیه در بکارگیری و تولید مواد آموزشی توسط معلمان و دانش‌آموزان موفق بود؟ با جامعه‌شناسی تغییر و تحول چطور؟ در پاسخ به دو سوال فوق می‌توان چنین نگاشت که طبق روان‌شناسی تشویق می‌توان معلمان

را با کاربرد تولید (تا حد امکان) و ارزشیابی انواع رسانه‌های سنتی غیر تعاملی (اسلاید/فیلم/نمودارها/تابلوها و ...) آشنا ساخت.

در مرحله دوم نگرش آنها را با ترغیب بیشتر به فرایند آموزش و یادگیری تغییر داد و فرآیند یادگیری راه همراه فناوری‌های الکترونیکی میسر ساخت.

روانشناسی یادگیری با زمینه یادگیری با ایجاد درک و فهم و پیش می‌تواند در راه رسیدن به این پیش در این زمینه استفاده از رسانه را موجه جلوه دهد. در خاتمه ایجاد تحولات بنیادی در محیط کار آموزشی یادگیری به منظور ایجاد تحول در الگوی فعلی حفظ کردن مطالب به منظور بازگویی آنی آن‌ها به الگوی قادر ساختن دانش‌آموزان به اندیشیدن (برپایه روان‌شناسی یادگیری جروم برونر) حل خلاقانه مشکلات، کار با دیگران و بالاخره تبدیل آنها به یادگیرندگان مادام‌العمر جهت آمادگی برای دنیای متغیر شده فردا اصل باشد.

محو هفتم

لوازم و زمینه های اجرائی برنامه

درسی ملی و ارزشیابی آن



عنوان: لوازم و زمینه‌های اجرا و اشاعه‌ی برنامه‌ی درسی، پاشنه‌ی آشیل یا چشم اسکندر

پژوهشگر: میترا دانشور

چکیده

شاید مهم‌ترین امر و مسأله‌ی آموزش و پرورش در هر تغییر و نوآوری، مسأله‌ی اشاعه‌ی برنامه و بویژه آموزش معلمان است. به عقیده‌ی متخصصان آموزش و پرورش، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان معلم عامل بسیار مهم در تعلیم و تربیت به شمار می‌رود و برنامه‌ی درسی، سازمان مدرسه و وسایل آموزشی و ... هر چند که اهمیت خاص خود را دارند، لکن در برابر معلم ارزش چندانی ندارند، زیرا معلم است که به همه‌ی آنها جان می‌بخشد و آنها را نتیجه بخش و سودمند می‌سازد.

«در سال ۱۹۹۶ متخصصین کمیسیون بین‌المللی تعلیم و تربیت برای قرن بیست و یکم در گزارش خود به یونسکو موسوم به «یادگیری گنج درون» طرف‌های اصلی موفقیت اصلاحات در آموزش و پرورش زمان را به سه گروه:

۱- پدران و مادران، مدیران، معلمان ۲- مقام‌های مسئول ۳- جامعه‌ی بین‌المللی تقسیم کردند و اعلام داشتند: هیچ اصلاحی نمی‌تواند بدون همکاری و مشارکت فعال معلمان موفق شود.»
در اسطوره‌های یونان آمده است که تیسس سعی کرده بود فرزند خود آشیل (آخیلوس) را نامیرا کند به همین دلیل هنگامی که آشیل نوزاد بود او را با خود به جهان زیرین برد و در آب رودخانه‌ی استوکس فرو کرد. این موضوع باعث شده بود که پیکر او آسیب‌ناپذیر بماند، البته به جز پاشنه‌ی پایش که مادر به هنگام فرو بردن او در آب به دست گرفته بود، و سرانجام تیر پاریس نیز بر همین نقطه فرود آمد. همین داستان را در شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی درباره‌ی اسفندیار روئین تن می‌خوانیم که او نیز به هنگام فروشدن در آب چشمانش را بست و سرانجام با تیر دو سری که رستم در چشمانش

نشانند از پای درآمد. در کشور ما و بسیاری از کشورهای دیگر اسطوره‌ی برنامه‌ی درسی نیز به آسیبی جدی به نام اشاعه‌ی برنامه‌ی درسی دچار می‌باشد.

شرایط برگزاری دوره‌های پیش و ضمن خدمت و محدودیت‌های حاکم بر کلاس‌ها از جمله ساعات آموزش، تعداد شرکت‌کنندگان در کلاس، ضعف مدرسان، و بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی شرکت‌کنندگان و سبک‌های یادگیری آنان، و ... از کارآیی کلاس‌ها کاسته و اشاعه‌ی برنامه‌های درسی را با مشکل مواجه ساخته است به طوری که به گزارش ارزشیابی‌های انجام شده بین برنامه‌ی قصد شده و برنامه‌ی اجرا شده فاصله‌ی زیادی مشاهده می‌شود.

در این مقاله سعی خواهد شد تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت توجه به اشاعه‌ی برنامه‌ی درسی، با استفاده از نتایج برخی ارزشیابی‌های بعمل آمده در حوزه اشاعه‌ی برنامه‌های درسی و اجرای آنها در چند سال اخیر (به عنوان مقیاس کوچکی از اجرای برنامه درسی ملی) و برخی قوانین و مقررات مربوطه، به یکی از آسیب‌های جدی برنامه‌ی درسی مل پرداخته شود و راهکارهایی جهت پیش‌گیری از این آسیب با استفاده از انواع فناوری اطلاعات و یادگیری باز و از راه دور با رویکرد تکمیلی ارائه گردد.

عنوان: آسیب شناسی اجرای برنامه‌ی درسی و راهکارهای پیشگیری از آن

پژوهشگر: بهبود حنیفه زاده

چکیده

برنامه‌ریزی و اصلاحات آموزشی باید براساس آخرین فناوری علمی جهان و با دیدی بس وسیع‌تر انجام گیرد تا بتواند نیازهای جامعه را در سطح ملی و بین‌المللی به نحو شایسته‌ای تأمین کند. یکی از راه‌هایی که می‌تواند ما را در راه رسیدن به هدف فوق‌یاری کند بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی در آموزش و پرورش است.

برای تدوین برنامه درسی نیازمند شناخت معیارها، نشانگرها و استانداردها هستیم. این عوامل، همچون شاخص‌هایی هدایت‌کننده ما را در مسیر تدوین درست برنامه نگه می‌دارد و باعث می‌شود تا محتوای برنامه را طراحی کنیم که متناسب با مخاطبان اصلی یعنی دانش‌آموزان و مخاطب جانبی (جامعه) باشد.

داشتن مسیر درست در مراحل مختلف برنامه‌ریزی (نیازسنجی، تعیین اهداف، محتوا، روش‌های آموزش و ارزشیابی)، مستلزم بهره‌گیری از استانداردهای آموزش علوم است.

رشد روزافزون علوم و افزایش شگفت‌آور اطلاعات، همچنین پیچیدگی روش‌ها و تکنولوژی مورد استفاده در زندگی روزمره از عوامل مهم تأکید بر پرورش تفکر، بخصوص تفکر انتقادی است. بنابراین برای افزایش اثربخشی و کارایی برنامه درسی، لزوم بازنگری و ایجاد تحول در برنامه‌های درسی را ضروری می‌نماید.

یکی از دلایل اصلی ناکامی در به اجرا درآوردن تغییرات برنامه‌های درسی عدم توجه به تغییرات تمام عوامل بیرونی و درونی مؤثر در اجرای آن است. نتیجه‌ی تحقیقات (بیرامی پور و شریف،

۱۳۸۲) نشان می‌دهد که برای اجرای تغییر برنامه‌های درسی بایستی همه‌ی عوامل بیرونی مؤثر در اجرای تغییر شامل: کتب درسی، آموزش‌های معلمان و منابع، همچنین عوامل درونی مانند عقاید و تصمیمات معلمان در زمینه‌ی ایجاد تغییر در برنامه‌های درسی مدنظر قرار گیرد.

عنوان: آسیب شناسی اجرای برنامه درسی ملی و راهکارهای پیشگیری از آن

پژوهشگر: شاهرخ محمدی و فائزه حیدریان

چکیده

اجرای برنامه درسی به معنی عمل کردن به راهبردها و دستورالعمل‌هایی است. که در راستای تحقق اهداف برنامه تدوین شده است، و برنامه درسی ملی طبق تعریف عبارت است از: طرح کلانی برای برنامه‌های درسی به جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش (قانون اساسی نظام آموزشی) که در این مقاله نویسنده قصد و هدف دارد تا موانع و مشکلات پیش روی برنامه درسی ملی را در اجرا مورد مذاقه قرار دهد. تا در حین عمل و اجرای آن با موانع پیش‌بینی نشده کمتر روبرو گردد. که در این راستا ضمن مطالعه و بررسی برنامه‌های درسی ملی چند کشور مختلف نظام آموزشی و فرهنگی نسبتاً مشابهی با کشورمان داشته‌اند و مطالعه نظرات کارشناسان و نویسندگان صاحب‌نظر، و بررسی برنامه‌های قبلی که در نظام آموزشی کشور خودمان به اجرا درآمده‌اند. به نتایج قابل توجهی دست یافته است. که از جمله:

۱- بر تأثیر عامل آموزش نیروی انسانی دخیل در اجرای برنامه درسی ملی بر میزان موفقیت در اجرای برنامه اشاره شده است.

۲- تأمل در تدوین برنامه درسی ملی و عدم تعجیل در تهیه و تدوین به منظور رسیدن به تفاهم، و لحاظ نمودن تمام عناصر پیدا و پنهان و در هم تنیده در نظام تعلیم و تربیت و درگیر نمودن تمام عوامل دخیل در برنامه (اصل مشارکت‌پذیری در اجرا و تولید برنامه درسی ملی) و دیدگاه‌های مختلف در برنامه درسی ملی تا عزم ملی در بیرون و درون آموزش و پرورش در حمایت از آن بوجود آید.

۳- از نظر زمانی اجرای برنامه بایستی با شرایط اقتصادی دولت نیز هماهنگ باشد. بدین معنی که دولت توان حمایت مالی کافی را از برنامه داشته باشد، و گرنه چه بسا بهترین برنامه درسی ملی با

عدم حمایت مالی کمترین بازده و کارایی را در عمل داشته باشد،
۴- تلاش در جهت کاربردی نمودن برنامه و التفات به ارزش‌ها و ایجاد زمینه خلاقیت در
برنامه درسی ملی و امعان نظر به مقتضیات محلی و ملی و بین‌المللی و تفاوت‌ها و اشتراکات قومی،
مذهبی و زبانی و ... در تدوین برنامه درسی ملی.
واژگان کلیدی: برنامه درسی - اجرای برنامه درسی - برنامه درسی ملی - آموزش نیروی
انسانی - مشارکت‌پذیری

عنوان: آسیب‌شناسی اجرای برنامه درسی ملی و راهکارهای پیشگیری از آن

پژوهشگر: سیده هما عقیلی

چکیده

مقالات و پژوهش‌های بسیاری به تعریف برنامه درسی، حدود و ثغور آن، نظریه‌ها و رویکردها پرداخته‌اند. اما این سؤال که آیا واقعاً باید برای برنامه درسی یک تعریف نظری یا عملیاتی ارائه شود که در آن همه نظریه‌پردازان به اتفاق نظر رسیده باشند و این که وضع تا چه اندازه می‌تواند در بعد عملیاتی و اجرایی شدن برنامه درسی به ما کمک کند، موضوعی است که پاسخ دادن به آن به یک کار تحلیل نیاز دارد.

صاحبان تفکر سازمان یافته بجای دادن پاسخ‌های ساده انگارانه به سؤال پیچیده «برنامه درسی چیست» به جستجوی روابطی می‌پردازند که باید بین پدیده‌ها برقرار شود تا این روابط راهنمایی برای تبیین و پیش‌بینی نتایج باشد. در این فراگرد می‌توان ساختارهایی عملی ترسیم نمود که بسیاری از مفاهیم برنامه درسی را توضیح دهند. این تلقی از نظریه برنامه درسی موجب انگیختن فعالیت‌های دقیق‌تر و پژوهش‌های علمی و نظریه مدار افزوتری می‌گردد.

ما در این جستار به دنبال تضادها و کشمکش‌های موجود بین نظریه‌پردازان نیستیم بلکه با توجه به جایگاه ویژه یک برنامه درسی فرایند مدار در نظام آموزش و پرورش از یک سو و تأثیرمنابع انسانی تأثیرگذار بر اجرای اثربخش برنامه از سوی دیگر در پی آسیب‌شناسی اجرای برنامه درسی با محوریت نقش منابع انسانی در تعلیم و تربیت کشور می‌باشیم.

کارآمدی و اثربخشی طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی نظام آموزش و پرورش با شناخت علمی و همه جانبه از واقعیت‌های موجود و توانمندی‌ها و قابلیت‌های نهفته در آن و نیز شناخت آینده و فرصت‌ها و تهدیدهای آن عجین شده است. به همین دلیل موفقیت در این میدان نیازمند شناخت

دقیق و عمیق از حال و آینده است تا مبتنی بر این شناخت امکان برنامه ریزی و چاره اندیشی بهینه فراهم آید. اما برای تعیین دقیق وضع موجود و گمانه زنی درباره ی آینده به کالبد شکافی و شناخت گذشته نیاز است. اگر برنامه ها و فعالیت های گذشته منصفانه و آگاهانه مورد نقد و بازشناسی قرارگیرد می توان از تجربیات و دستاوردهای تلخ شیرین آن چراغی فرا روی آینده افروخت و در پرتو آن به اصلاح و بهینه سازی فرایند برنامه درسی پرداخت.

الگوی بکار گرفته شده در این آسیب شناسی، الگوی سیپ است و جهت جمع آوری داده ها علاوه بر مطالعه اسناد معتبر از روش دلفی با محوریت فرصت ها و قوت ها - تهدیدها و آسیب ها و مصاحبه با صاحبان فن نیز بهره برده شده است.

پس از جمع بندی، با توجه به سؤال اصلی پژوهش که اساس آن بر نقش منابع انسانی در اجرای اثربخش برنامه ی درسی تنظیم گردیده بود. بر نقش کلیدی معلم در این مقوله تأکید گشته و این باور که یک برنامه درسی پیش از آن که برای دانش آموزان طراحی شود باید برای معلمان طراحی شود، کاملاً شفاف و قابل لمس بود. نتایج نشان داد که یک برنامه درسی باید بتواند معلمان را تغییر داده و بر آگاهی آنان بیفزاید در غیر این صورت هیچ گونه تأثیری بر تعلیم دهندگان ندارد.

در این راستا توجه به برنامه های آموزش ضمن خدمت به منظور حصول اطمینان از برخورداری معلمان از اطلاعات و مهارت های لازم برای اجرای برنامه های مصوب به عنوان راهکار اصلی پیشنهاد گردید. براساس این رویکرد به وجود آوردن فرصت های آموزش ضمن خدمت در رابطه با تغییرات خاص برنامه ای بسیار حائز اهمیت است.

پژوهش ها نشان می دهد هنگامی که فعالیت های مربوط به تربیت کارکنان وجود نداشته باشد و یا هنگامی که این فعالیت ها شامل جلسات توجیهی یک بار اجرا و بدون پی گیری باشد در عمل تغییرات اندکی اتفاق می افتد. از آن جایی که در این الگو هدف از ارزشیابی بدست آوردن اطلاعات مفید برای تصمیم گیرندگان است این مقاله پس از عملیاتی کردن مراحل آسیب شناسی نتایج در چهار بخش شامل:

۱- زمینه: فراهم آوری اطلاعاتی درباره موقعیت تصمیم در برابر نیازهای آموزشی و تدوین اهداف برنامه

۲- درون داد: شناسایی راهبردهای آموزشی مطلوب برای تحقق اهداف مورد انتظار

۳- فرایند: سنجش روند اجرای برنامه آموزش

۴- محصول: گردآوری اطلاعات مربوط به نتیجه ملاحظات آموزشی

به ارائه راهکارهای کاربردی که قابلیت اجرایی نیز دارند پرداخت و در نهایت با یک نگاه واقع‌بینانه اجرای صادقانه برنامه از سوی معلمان دارای صلاحیت حرفه‌ای را با تقویت عوامل انگیزشی قابل تأمل و امکان‌پذیر دانست.

